



نویسنده: ایرکمن (Eric Mann)

منبع و تاریخ نشر: کونترپنتچ «2024-02-21».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

مقاومت فلسطین در حال پیروز شدن است: جنبش باید «راه حل نهایی نتانیاھو» را برای مسئله فلسطین افشا کند و شکست دهد.

The Palestinian Resistance is Winning: the Movement Must Expose and Defeat Netanyahu's "Final Solution" to the Palestinian Question



photo by Ehimetalor Akhere Unuabona

بنیامین نتانیاھو، نخست وزیر اسرائیل، که با محکومیت جهانی مواجه است، به شدت به حامیان منزوی خود می گوید که اسرائیل به "پیروزی مطلق" نیاز دارد. در روز کریسمس 2023، وال استریت ژورنال به نخست وزیر یک پلت فرم جهانی داد تا بیانیه اش را اعلام کند: «سه پیش نیاز ما برای صلح: ما باید حماس را نابود کنیم، غزه را غیرنظامی سازی کنیم، و کل جامعه فلسطین را رادیکال زدایی کنیم». نتانیاھو اهداف خود را روشن می کند.

او خواهان یک «راه حل نهایی» برای مشکل فلسطین یعنی نابودی دسته جمعی مردم فلسطین است. هدف او فلسطینی بدون هیچ فلسطینی است تا اسرائیل بتواند یک بار برای همیشه تمام فلسطین را به طور کامل اشغال کند.

استفاده مستقیم طبقه حاکم اسرائیل از «راه حل نهایی مسئله یهود» هیتلر، مستلزم یک بازسازی تاریخی مختصر است. در سال 1939، آدولف هیتلر سخنرانی کرد و خواستار «قتل جمعی همه یهودیان در اروپا» شد. خود اصطلاح «نابودی» بر اساس انسانیت زدایی و اهانت به قوم یهود است. «راه حل نهایی مسئله یهود» رمز رسمی قتل هر یهودی بود که نازی‌ها می‌توانستند به آن دست یا بند. این سیاست کشتار دسته جمعی عمدی و سیستماتیک در آلمان و اروپای تحت اشغال آلمان در شرایط رویه ای و ژئوپلیتیکی توسط رهبری نازی در ژانویه 1942 در کنفرانس Wannsee که در نزدیکی برلین برگزار شد، تدوین شد. در هولوکاست، که شاهد کشتار 90 درصد یهودیان لهستانی و دو سوم جمعیت یهودی اروپا بود، به اوج خود رسید. راثول هیلبرگ، نویسنده کتاب «تخریب یهودیان اروپا»، نوشت که در سال 1941 در مرحله اول کشتار دسته جمعی یهودیان، واحدهای سیار کشتار قربانیان خود را در سرتاسر سرزمین‌های شرقی اشغالی تعقیب کردند. در مرحله دوم، که در سراسر اروپای تحت اشغال آلمان امتداد داشت، قربانیان یهودی با قطارهای مرگ به اردوگاه‌های کشتار متمرکزی که با هدف کشتار سیستماتیک یهودیان ساخته شده بودند، فرستاده شدند.

اما چرا نازی‌ها آن را "راه حل نهایی" نامیدند؟ زیرا هر شکل دیگری از ظلم به یهودیان مشکل را حل نمی‌کرد. آلمان نازی به قدری از یهودیان نفرت داشت که فقط نابودی دسته جمعی آنها "راه حل" این سوال آنها بود - ما برای ریشه کن کردن یهودیان به عنوان یک مردم چه کنیم. نازی‌ها با آزار لفظی و ضرب و شتم فیزیکی شروع کردند. سپس یهودیان را مجبور کردند که ستاره زرد داوود را بپوشند، زیرا آنها القاب فریاد می‌زدند و سنگ پرتاب می‌کردند. سپس حبس اجباری در گتوها. سپس قتل گسترده. سپس به این فکر افتاد که شاید بتوان یهودیان را متفرق کرد. اما به کجا؟ - از آنجایی که آلمان می‌خواست جهان و ایالات متحده را کنترل کند، بریتانیا و فرانسه مطمئناً یهودیان را نمی‌خواستند. سپس، در نهایت، راه حل نهایی.

از فرمول بندی مفهومی و استراتژیک صهیونیسم در دهه 1880 تا کشتار جمعی و متفرق کردن بیش از «700000» مردم بومی فلسطین در سال 1947 توسط اسرائیل - که فلسطینی‌ها آن را نکبه - فاجعه می‌نامند - اساس موجودیت اسرائیل بر پایه نسل‌کشی بود. نسل‌کشی، حذف و کشتار جمعی ساکنان بومی، ضروری تاکتیکی اصلی امپریالیسم سفید پوست، اروپایی و مهاجرنشین است. کنوانسیون ملل متحد در مورد نسل‌کشی 1948 نسل‌کشی را چنین تعریف می‌کند: «هر یک از پنج عملی که به قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام می‌شود. این پنج اقدام شامل کشتن اعضای گروه، وارد کردن صدمات جدی جسمی یا روحی به آنها، تحمیل شرایط زندگی برای نابودی گروه، جلوگیری از تولد و انتقال اجباری کودکان به خارج از گروه است. در

فرهنگ عامه ساکنان امپریالیست سفید پوست، مسیحی، اروپایی و اکنون یهودی، زمین همیشه خالی - یا در ذهن آنها - از قبل خالی فرض می شود. با این حال، طرفداران صهیونیسم در دهه 1880 به خوبی درک کردند که تمام جهان مسکونی است. به این ترتیب، آنها به حمایت قدرت های امپریالیستی، در این مورد انگلستان، نیاز داشتند تا فلسطینی هایی را که بریتانیا بر آنها کنترلاستعماری داشتند، جابجا کنند. این پایگاه زمینی یک کشور شهرک نشین جدید خواهد بود که توسط یهودیان صهیونیست اداره می شود. در مقابل، اسرائیل قول داد که عامل وفادار امپریالیسم بریتانیا و بعداً ایالات متحده در خاور میانه باشد - از ضد کمونیسم، ضد انقلاب و گسترش برنامه نژادپرستانه استعماری حمایت کند. این امر در اتحاد عمیق استراتژیک، ایدئولوژیک و فرهنگی اسرائیل با رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی آشکارتر بود.

طرح تاکتیکی اسرائیل برای انجام نسل کشی خود به صورت روشمند پیش رفته است

در اوایل دهه 1880 با تهاجم سیستماتیک مهاجران یهودی به فلسطین به عنوان نفوذگران آگاه و فاتحان آینده آغاز شد.

پس از آن، نکبه در سال 1947 رخ داد - تهاجم نظامی تنبیهی اسرائیل به فلسطین که منجر به اخراج اجباری بیش از 700000 فلسطینی شد.

سپس اشغال غزه توسط اسرائیل در سال 1967 بود - دستگیری 1 میلیون فلسطینی و ایجاد اردوگاه کار اجباری 2 میلیون نفری در فضای باز در غزه - که از هرگونه کمک بشردوستانه یا حق سفر از طریق زمین و آبی جلوگیری شد. و هوا. سپس، با محاصره مردم غزه، اسرائیلی ها با استفاده از تاکتیک های زندان، شکنجه، آدم ربایی و قتل، حکومت نظام مند وحشت را علیه آنها تحمیل کردند. وحشیگری اسرائیل و سوء استفاده مداوم فرهنگی منجر به مرگ و میر نوزادان، ناامیدی، افسردگی، PTSD و خودکشی در میان فلسطینیان بومی شد. این یک نقشه آگاهانه اسرائیل برای از بین بردن فرهنگ، تمامیت و هویت ملی مردم فلسطین بود.

سپس در 7 اکتبر 2023، حماس ابتکار تاکتیکی جسورانه و مؤثری را برای آزادی ملی فلسطین آغاز کرد. تصور کنید که مردم فلسطین و حماس به دنبال انتقام، شورش و رهایی علیه اشغالگری فاشیستی بودند. ادعای ساده انسانیست مردم فلسطین و حق آنها برای مقابله با هر وسیله ای که لازم باشد، همه ملت های جهان را وادار کرده است که به موضوع فلسطین توجه زیادی داشته باشند و موضع گیری کنند - شما طرف کدام طرف هستید؟ در حالی که بسیاری از متحدان سنتی اسرائیل از حمایت خود حمایت می کنند، بسیاری از آنها در حال تدوین استراتژی خروج هستند.

در پاسخ به ابتکارات حماس، اسرائیل وحشیانه ترین واکنش ها را فرموله کرده است: نابود کردن مردم فلسطین به عنوان یک مردم یک با ر برای همیشه. چیزی که نتانیا هو آن را "پیروزی کامل" می نامد. این همیشه برنامه بود اما باید مرحله به مرحله

اجرا می‌شد. مفهوم جنبش مقاومت مسلحانه فلسطین برای صهیونیست‌ها غیر قابل تصور و غیر قابل قبول است، اما برای مردم فلسطین الهام بخش، نشاط آور و رهایی بخش است. همانطور که فرانتس فانون اشاره کرد، مقاومت توده‌ای ستمدیدگان، ضد افسردگی بزرگ است.

اولین پیش نیاز نتانیا هو: حماس با ید نابود شود.

نتانیا هو بیانیه خود را اینگونه آغاز میکند :

اول، حماس، یعنی یکی از نمایندگان اصلی ایران، باید نابود شود. ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، آلمان و بسیاری از کشورهای دیگر از قصد اسرائیل برای نابودی گروه تروریستی حمایت می‌کنند. برای دستیابی به این هدف، باید قابلیت‌های نظامی آن برچیده شود و حکومت سیاسی آن بر غزه پایان یابد. رهبران حماس قول داده اند که قتل عام 7 اکتبر را "بارها و بارها" تکرار کنند. به همین دلیل است که تخریب آنها تنها واکنش متناسب برای جلوگیری از تکرار چنین جنایات وحشتناکی است. هر چیزی کمتر تضمین کننده جنگ بیشتر و خونریزی بیشتر است. در نابودی حماس، اسرائیل به عمل خود با رعایت کامل قوانین بین المللی ادامه خواهد داد.

توجه داشته باشید که نتانیا هو «حکومت سیاسی حماس بر غزه» را تأیید می‌کند - این امر تأییدی بر حمایت سیاسی گسترده آن در میان مردم فلسطین در غزه است.

حماس یک سازمان سیاسی مردمی است که در سراسر فلسطین حمایت می‌شود و قوی‌ترین پایگاه آن در غزه است. هدف آن آزادی ملی مردم فلسطین است. این یک جنبش چریکی است. در ژانویه 2006، زمانی که سرزمین‌های فلسطینی آخرین انتخابات پارلمانی آنها را برگزار کردند، حماس که به عنوان حزب تغییر و اصلاح نامزد شد، بیشترین رای مردم را به دست آورد - 44 رای از کل. این میزان برای فتح، تشکیلات میانه روتر فلسطینی، با 41 درصد مقایسه شد. در نظام پارلمانی، حماس اکثریت قاطع کرسی‌ها را به دست آورد - 74 کرسی برای حماس و 45 برای فتح

از آنجایی که اسرائیل 50 تن از اعضای حماس را که در انتخابات شرکت داشتند و همچنین 15 تن از رهبران آن را دستگیر و زندانی کرد، این رای‌گیری بسیار ناراحت کننده بود. اگر این کافی نبود، آمریکا و اروپا نیمی از بودجه انتخاباتی فتح را با کمک 2.3 میلیون دلاری ایالات متحده تأمین کردند. بدون مداخله و کمک‌های اسرائیل، اروپا و آمریکا، حماس با قاطعیت پیروز می‌شد. اما از طریق این روند، حماس از حمایت سیاسی بیشتری برخوردار شد و فتح از نظر بسیاری در غزه بی اعتبار شد. بنا بر این، نتانیا هو و اکثریت قریب به اتفاق نیروهای سیاسی اسرائیل که با او موافق یا موافق هستند، تصمیم گرفته اند که "حکومت سیاسی" حماس باید از بین برود. در عمل، این بدان معناست که

تمام فلسطینی های فعال در حماس، دوست حماس یا حتی غیر مخالف حماس باید نابود شوند.

استفاده نتانیا هو از «ویران کردن» جهان، فراخوانی صریح برای کشتار دسته جمعی حماس و همه فلسطینی ها است. ایالات متحده، اروپا و اسرائیل در جنگ خود علیه مردم جهان سوم فقط از اصطلاح "ویران کردن" استفاده می کنند. توجه داشته باشید که در طول جنگ جهانی دوم، در جنگ کمونیست های ایالات متحده، انگلیسی و جهان سوم علیه فاشیست های آلمانی، ایتالیایی و ژاپنی، رهبران ایالات متحده هرگز از کلمه "ویران کردن" استفاده نکردند. در حالی که ایالات متحده متوجه شد که اکثر مردم آلمان و ژاپن نازی ها و فاشیست های مشتاق هستند، ایالات متحده برنامه هایی برای ادغام مجدد و "بازسازی" آنها پس از جنگ جهانی دوم در طرح امپریالیستی و ضد کمونیستی خود برای تسلط بر جهان داشت. بنابراین، ایالات متحده می خواست این افسانه را ایجاد کند که تنها تعداد کمی از رهبران نازی ها مردم خود را مجبور به جنایات غیر قابل تحمل علیه بشریت کردند. سپس، پس از پیروزی، ایالات متحده می تواند نازی ها و فاشیست هایی را که می خواستند برای هدف خود استخدام کنند، انسانی کند. حتی در مواجهه با نسل کشی آلمان ها علیه یهودیان، قوم روم و کمونیست ها، «ویرانی» هرگز در فرهنگ لغت ایالات متحده وجود نداشت.

پاسخ متناسب در اینجا مستندی از رنج توده ای ناشی از "پاسخ متناسب" اسرائیل آمده است: به گزارش الجزیره، در غزه:

کشته شدگان: حداقل 27947 نفر از جمله بیش از 12150 کودک و 8300 زن مجروحان: بیش از 67,459، از جمله حداقل 8,663 کودک و 6,327 زن و بیش از (7000) زن مفقود شده است.

بیش از نیمی از خانه های غزه - 360000 واحد مسکونی - ویران یا آسیب دیده اند. با احتساب 390 مرکز آموزشی، 13 بیمارستان از 35 بیمارستان نیمه کاره هستند 122. آمبولانس، 267 عبادتگاه در حملات اسرائیل تخریب شد.

هر ساعت در غزه: 15 نفر کشته میشوند - 6 نفر کودک، 35 نفر مجروح می شوند، 42 بمب پرتاب می شود و 12 ساختمان ویران می شود.

نتانیا هو با حمایت کامل رئیس جمهور بایدن و اکثریت قریب به اتفاق دموکرات ها و جمهوری خواهان طرح خود را برای کشتار جمعی آشکار کرد. همانطور که او در 7 اکتبر در الجزیره گزارش داد، رهبر اسرائیل در یک سخنرانی تلویزیونی گفت: ما انتقام بزرگی برای این روز سیاه خواهیم گرفت. ما انتقام تمام جوانانی را که جان خود را از دست دادند، خواهیم گرفت. ما تمام مواضع حماس را هدف قرار خواهیم داد. غزه را به جزیره ای

متروک تبدیل خواهیم کرد به شهروندان غزه می‌گوییم. الان باید بری ما هر گوشه از نوار را هدف قرار خواهیم داد.

تحقیر اسرائیل نسبت به قوانین و نهادهای بین‌المللی که سعی در حمایت از حقوق بشر دارند.

همه در جهان، یا حداقل جهان سوم، می‌دانند که ایالات متحده، اروپا و اسرائیل قوانین بین‌المللی را تحقیر می‌کنند.

در 26 ژانویه 2024، دادگاه بین‌المللی دادگستری (ICJ) در مورد اتهامات آفریقای جنوبی مبنی بر ارتکاب اقدامات نسل‌کشی اسرائیل علیه مردم فلسطین رای داد. همانطور که می‌توان انتظار داشت، ایالات متحده، آلمان و اسرائیل کل اتهام را رد کردند و آن را "بی‌اساس" دانستند.

با این وجود، تحت فشار بین‌المللی، اسرائیل مجبور بود اختیارات دادگاه را برای صدور حکم در مورد اتهامات بپذیرد، زیرا تصمیم گرفت که باید دفاع قاطعانه‌ای ارائه کند. دیوان بین‌المللی دادگستری علیه اسرائیل حکم داد و از اسرائیل خواست که از بسیاری از اقدامات نسل‌کشی خود دست بردارد. در تصمیم آن آمده بود، به نظر دادگاه، «حداقل برخی از اعمال و کوتاهی‌هایی که آفریقای جنوبی ادعا می‌کند توسط اسرائیل در غزه انجام شده است، به نظر می‌رسد که می‌تواند در مفاد کنوانسیون نسل‌کشی 1948 قرار گیرد.

حال، در قرائت تحت‌اللفظی این تصمیم، ممکن است به نظر برسد که حکم دادگاه چندان قوی نبوده است. اما زبان دادگاه - «حداقل» «ادعا می‌شود» «به نظر می‌رسد که توانمند است» - با دقت ساخته شده است تا معیارهای قانونی تصمیم موقت آن را برآورده کند و اسرائیل را از ادعای خصومت علیه خود باز دارد. اما نتیجه اصلی دادگاه این بود که اسرائیل در حال نسل‌کشی علیه مردم فلسطین است. این یک شکست بزرگ سیاسی برای اسرائیل و یک پیروزی بزرگ برای دولت آفریقای جنوبی و مردم فلسطین است.

متأسفانه، اما جای تعجب نیست که یک هفته پس از این تصمیم، مکالمه اهانت اسرائیل به دادگاه را مستند کرد.

بیش از یک هفته از زمانی که دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) به دنبال اتهام نسل‌کشی آفریقای جنوبی، اقدامات موقت علیه اسرائیل را الزامی کرد، می‌گذرد. خواسته‌های دادگاه روشن بود: اسرائیل باید اقدامات فوری برای جلوگیری از اقدامات نسل‌کشی در غزه انجام دهد. جلوگیری و مجازات تحریک به نسل‌کشی؛ اجازه دسترسی به کمک‌های بشردوستانه؛ و جلوگیری از تخریب و تضمین حفظ شواهد جنایات ادعایی. همچنین

باید ظرف یک ماه از اجرای این اقدامات به دادگاه گزارش دهد. شواهد کمی وجود دارد که باوجود این دستورات واضح، اسرائیل مسیر خود را تغییر داده است. در واقع، گزارش ها از غزه حاکی از تشدید خشونت ها و افزایش تلفات غیرنظامیان هر روز است.

بدتر از آن، زمانی که این مطلب را می خوانیم، اسرائیل با راندن مردم غزه به سمت مرز رافا، اکنون در حال برنامه ریزی یک کشتار جمعی قریب الوقوع زمینی علیه یک میلیون نفر از ساکنان غزه است که در تهاجم ارتش اسرائیل به دام افتاده اند.

پیش نیاز دوم نتانیا هو: حماس باید غیرنظامی شود.

دوم، غزه باید غیرنظامی شود.

اسرائیل باید اطمینان حاصل کند که این سرزمین دیگر هرگز به عنوان پایگاهی برای حمله به آن استفاده نخواهد شد. از جمله، این امر مستلزم ایجاد یک منطقه امنیتی موقت در اطراف غزه و یک مکانیسم بازرسی در مرز بین غزه و مصر است که نیازهای امنیتی اسرائیل را برآورده کند و از قاچاق سلاح به این سرزمین جلوگیری کند. این انتظار که تشکیلات خودگردان فلسطین غزه را غیرنظامی کند، یک رویا است. در حال حاضر از تروریسم در یهودیه و سامره حمایت مالی و تمجید می کند و به کودکان فلسطینی آموزش می دهد تا به دنبال نابودی اسرائیل باشند. جای تعجب نیست که نه توانایی و نه اراده برای غیرنظامی کردن غزه را نشان داده است. قبل از اینکه حماس در سال 2007 آن را از قلمرو خارج کند، نتوانست این کار را انجام دهد و امروز در مناطق تحت کنترل خود موفق به انجام این کار نشده است. در آینده قابل پیش بینی، اسرائیل باید مسئولیت اصلی امنیتی غزه را بر عهده بگیرد.

هدف اسرائیل از غیرنظامی کردن حماس، طرحی صریح برای ایجاد یک ملت فلسطینی غیرمسلح و بی دفاع است که در معرض هر نوع وحشیگری اسرائیل بدون هیچ گونه امید یا ظرفیتی برای مقابله به مثل باشد.

طبق گزارش موسسه بین المللی مطالعات استراتژیک (IISS)، اسرائیل دارای 169500 پرسنل نظامی فعال، 465000 نیروی ذخیره و 8000 پرسنل شبه نظامی است. کل دستگاه توسط سیستم مالی اسرائیل اجباری شده است، که به بیش از 3.8 میلیارد دلار کمک نظامی در سال از سوی ایالات متحده حساب می کند، اسرائیل بین 80 تا 400 کلاهک هسته ای دارد. می تواند آنها را با هواپیما، موشک های کروز زیردریایی، و از طریق سری موشک های بالستیک میان برد تا بین قاره ای جریکو تحویل دهد.

در مقابل، نیروهای مسلح هامان بسیار کوچک هستند. اما آنها استراتژیک، منضبط، متمرکز و موثر هستند. حماس ساختار نظامی خوبی با 15000 تا 16000 جنگجوی بالقوه دارد. گردان های عزالدین قسام، شاخه مسلح حماس، حدود 30000 تا 40000 جنگجو

دارد. خدا را شکر که ارتش مردمی دارند. علیرغم نیروی کوچک مقاومت مسلحانه حماس، آنها در جنگ عقاید و جنگ حمایت سیاسی در جهان پیروز هستند. مردم فلسطین هرگز سلاح خود را زمین نخواهند گذاشت و همیشه در برابر هولوکاست اسرائیل مقاومت خواهند کرد.

پیش نیاز سوم نتانیا هو

غزه باید رادیکال زدایی شود

سوم، غزه باید ریشه کن شود. مدارس باید به کودکان بیاموزند که به جای مرگ، زندگی را گرامی بدارند، و امامان باید از تبلیغ برای کشتار یهودیان دست بردارند. جامعه مدنی فلسطین باید به گونه ای متحول شود که مردم آن به جای حمایت مالی از مبارزه با تروریسم حمایت کنند. این احتمالاً به رهبری شجاعانه و اخلاقی نیاز دارد. پس از پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم، ریشه کن سازی موفقیت آمیز در آلمان و ژاپن صورت گرفت. امروز، هر دو کشور متحدان بزرگ ایالات متحده هستند و صلح، ثبات و رفاه را در اروپا و آسیا ترویج می کنند. چنین دگرگونی فرهنگی در غزه تنها در میان فلسطینی هایی که به دنبال نابودی اسرائیل نیستند امکان پذیر خواهد بود.

ریشه کن سازی رمزی برای روش جاکارتا است که توسط وینسنت بیوینز مستند شده است که در آن ایالات متحده و متحدانش از کشتار جمعی به عنوان تنها شکل موفق ضد شورش استفاده می کنند.

مردم بومی آمریکا به خوبی می دانند که «رادیکال سازی» مهاجمان اسپانیایی، پرتغالی ها و بعداً آمریکایی های انگلیسی-آمریکایی را به کشتن بیش از 90 میلیون بومی در یک قرن سوق داد - و سپس به طور سیستماتیک رهبران کسانی را که باقی مانده بودند به قتل رساندند. پلنگ های سیاه به خوبی فهمیده بودند که برنامه «COINTELPRO» جی. ادگار هوور برای «افشا کردن، مختل کردن، هدایت نادرست، بی اعتبار کردن و غیره خنثی کردن» - یعنی دستگیری، شکنجه و ترور رهبران جنبش آزادی سیاهان و جنبش حقوق مدنی طراحی شده است. ایالات متحده برای از بین بردن جبهه آزادیبخش ملی ویتنام تلاش کرد تا من ۴ میلیون ویتنامی را به قتل رساند. به کار بردن ایده های انقلابی بزرگ مارتینیکایی، ایماه سزر در گفتمان او درباره استعمار، ایالات متحده، اروپا و اسرائیل غیر قابل دفاع است.

نتانیا هو گفتمان خود را درباره نسل کشی به پایان می رساند.

هنگامی که حماس نابود شود، غزه غیرنظامی شود و جامعه فلسطین روند ریشه کن سازی را آغاز کند، غزه می تواند بازسازی شود و چشم انداز صلح گسترده تر در

خاورمیانه به واقعیت تبدیل شود. روشن شده است که چشم انداز وحشیانه نتانیا هو با جلادان مایل اسرائیل مشترک است.

دو خواننده رپ اسرائیلی خواستار قتل خواننده دوا لیا، مدل بلا حدید و میا خلیفه ستاره سابق فیلم های پورن در ترانه ای شدند که در صدر جدول قرار گرفت و به موسیقی متن غیررسمی جنگ اسرائیل و حماس تبدیل شد.

رپ مته توسط دو نفر اسرائیلی، نس و استیلا، از زمان انتشار آن در سه ماه پیش به شدت افزایش یافته است - با این موزیک ویدیو از زمانی که 18.5 میلیون بازدید در یوتیوب داشته است. آهنگ عبری - با عنوان "Harbu Darbu" - نشان می دهد که خواننده های رپ لیستی از قتل هایی را که آنها را مسئول خونریزی 7 اکتبر توسط تروریست های حماس در جنوب اسرائیل می دانند، شلیک می کنند.

این دو نفر پس از فهرست کردن سه نام مشهور در این کلیپ می خوانند: «هر سگی چیزی را که به سراغشان می آید دریافت خواهد کرد». دوا لیا، خواننده بریتانیایی آلبانیایی و بلا حدید، مدل مد مشهور جهان که تبار فلسطینی دارد، هر دو خواستار آتش بس در میان درگیری های جاری در غزه شده اند. در همین حال خلیفه پس از آن که در روزهای پس از شروع جنگ از حماس به عنوان "جنگجویان آزادی" در شبکه های اجتماعی یاد کرد، خشم را برانگیخت.

در همین حال، خواننده های رپ، محمد دیف، رئیس گردان های القسام حماس را نیز هدف قرار می دهند. اسماعیل هنیه، رئیس شاخه سیاسی حماس؛ و حسن نصرالله، رهبر حزب الله - شعار می دهند که نیروهای دفاعی اسرائیل «بر سر آنها طوفان خواهد بارید». دیگر اشعار موجود در رپ به این صورت ترجمه می شود: «ما کل ارتش را علیه شما آورده ایم و قسم می خوریم که هیچ بخششی نخواهیم داشت» و «آماده باشید» برای ارتش اسرائیل. همچنین به عنوان موسیقی پس زمینه در ویدیوهای Tik Tok که در آن اسرائیلی ها و سربازان جوان از خود در حال همگام سازی لبها و رقصیدن با این آهنگ فیلم می گرفتند.

جنايات اسرائیل هجوم یک مرد دیوانه نیست. آنها در اعماق قلب و روح مردم اسرائیل جای دارند. پیر و جوان، اصلاح شده، محافظه کار، و ارتدوکس، آگنوستیک، ملحد، مذهبی یا سکولار، چهار گوش یا باسن - حمایت توده ای در میان یهودیان اسرائیل برای رامحل نهایی نتانیا هو وجود دارد. یک نظرسنجی اخیر در دانشگاه تل آویو نشان داد که 40 درصد از یهودیان اسرائیلی معتقد بودند که قتل های دسته جمعی توسط ارتش اسرائیل سطح درستی از زور است، در حالی که 58 درصد احساس می کردند که به اندازه کافی وحشیانه نیستند. نیازی به ریاضیدان بودن نیست تا ببینیم در میان یهودیان اسرائیل - تا زمانی که یک مقاومت شجاعانه و مبارز یهودی ضد صهیونیستی وجود نداشته باشد - اشتهای گسترده و سیری ناپذیری برای کشتن مردم فلسطین وجود دارد.

در ایالات متحده ما شاهد بودیم، و برای ایجاد یک افزایش چشمگیر حمایت سیاهپوستان، یهودیان و مترقی از حقوق بشر مردم فلسطین تلاش کردیم. خواسته‌های فوری مردمی عبارتند از: درخواست آتش‌بس فوری، قطع کمک‌ها به اسرائیل و کمپین گسترده برای کمک‌های بشردوستانه. برخی دیگر فراتر می‌روند - برای مخالفت با طرح نسل‌کشی ننانیاهو، نجات جان مردم فلسطین به عنوان مقدمه‌ای برای گسترده‌ترین غرامت‌ها و آوردن مقامات آمریکایی از جمله جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده به اتهام نسل‌کشی در مقابل دادگاه کیفری بین‌المللی.

انتخابات ریاست جمهوری 2024 ایالات متحده یک فرصت تاریخی فوق‌العاده برای جلب توجه بین‌المللی به نسل‌کشی ایالات متحده علیه فلسطین و ادامه نسل‌کشی آن علیه مردم بومی و سیاهپوست گرفتار در مرزهای سرزمینی آن است. انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، که از هم اکنون شروع می‌شود، به جنبش این فرصت را می‌دهد که بسیاری از مردم را متقاعد کند که حسن نیت دارند که "نتیجه اصلی انتخابات" این نیست که کدام نامزد پیروز می‌شود، بلکه چگونه می‌توانیم به پیروزی مردم فلسطین کمک کنیم.

سابقه طولانی سیاهپوستان، حقوق مدنی، حمایت جنبش‌های ضد جنگ از فلسطین و نقش برجسته یهودیان ضد صهیونیست در این جنبش‌ها امیدی را برای امروز ایجاد می‌کند. در تابستان 1964، 60 سال پیش، 1000 جوان سفیدپوست به درخواست رهبری جنبش آزادی سیاهان به جنوب آمدند. آنها "برای استفاده" آمدند، زیرا از آنها خواسته شد که "بدن خود را روی خط بگذارند". از 1000 داوطلب سفیدپوست، 500 نفر یهودی بودند. این از نظر آماری شگفت‌انگیز است اما از نظر تاریخی قابل توضیح است. جوانان یهودی، که بسیاری از آنها دارای اعضای خانواده قربانیان و بازماندگان هولوکاست بودند، در سنت‌های لیبرال، او مان نیست، سوسیالیست و کمونیست یهودیان سراسر جهان به شدت ضد صهیونیست بودند. ما شاهد مبارزه مردم یهود علیه نسل‌کشی آلمان بودیم که در مبارزه سیاهپوستان علیه نسل‌کشی ایالات متحده منعکس شد. ما مبارزه فلسطینیان علیه اشغالگری صهیونیست‌ها را به عنوان لبه‌برش جبهه متحد ضد فاشیستی در حال انجام دیدیم.

در 21 ژوئن 1964، کوکلوکس کلان، با همکاری پلیس شهرستان نشوبا، جیمز چانی، یک بومی می‌سی‌سی‌پی، و میکی شوورنر و اندرو گودمن، دو یهودی نیویورکی را در فیلادلفیا، می‌سی‌سی‌پی، کارمندان حقوق مدنی اصلی را به قتل رساندند. ارتباط سیاهان و یهودیان برای موفقیت تابستان آزادی حیاتی بود و یک رابطه اساسی در مبارزه برای حقوق فلسطینیان و سیاهان امروز است. من یک یهودی اهل بروکلین هستم که در جنبش حقوق مدنی و ضد امپریالیستی بوده‌ام. در سال 1964، CORE، جایی که من به عنوان دبیر میدانی، کمیته هماهنگی بدون خشونت دانشجویی کار می‌کردم، و همه ما در جنبش حقوق مدنی، مبارزات ضد آپارتاید سیاهپوستان، فلسطینی‌ها و سیاهپوستان آفریقای جنوبی را جنبش‌های آزادی‌بخش ملی می‌دانستیم. ایالات متحده، اسرائیل و کشورهای

آفریقایی شهرک نشین سفیدپوست در سال 1967، SNCC، به رهبری مدیر ارتباطات شجاع خود اتل مینور، بر اساس کار مرکز تحقیقات فلسطین، کتاب گردآوری جهانی سوم: مسئله فلسطین را نوشت SNCC نتیجه گرفت :

رفقا واضح است که بحث درست و غلط است در خاورمیانه، آمریکا با جنبش قدرتمند صهیونیستی کار کرده و از آن استفاده کرده است تا خانه مردم دیگری را به تصرف خود درآورد و شریکی را جایگزین مردم فلسطین کند که به خوبی به اهداف آمریکا عمل کرده است، شریکی که می تواند به ایالات متحده و دیگر کشورهای سفیدپوست غربی کمک کند. استثمار و کنترل کشورهای آفریقا، خاورمیانه و آفریقا چاره ای جز مقاومت نداریم .

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

اریک مان یکی از مدیران مرکز استراتژی کار/ جامعه است او از جانبازان کنگره برابری نژادی، دانشجویان برای یک جامعه دموکراتیک و جنبش متحد کارگران اتومبیل جهت های جدید است او میزبان صداهای KPFK/Pacifica's from the Frontlines است کتاب آینده او من یک انقلاب را با چشمان خود دیدم: تاریخ، استراتژی و سازماندهی برای انقلابی که امروز به آن نیاز داریم است او از نظرات در

Eric@Voicesfromthefrontlines.com

----- **با تقدیم احترامات** «2024-02-26»

